

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۶ اردی بهشت ماه ۱۳۲۳*

فهرست مطالب:

۱ - تصویب صورت مجلس

۲ - استیضاح آقای مهندس فریور از هیئت دولت

۳ - موقع دستور جلسه آتیه - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقاسید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۴ اردی بهشت ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند**

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر)
صورت مجلس تصویب شد

رئیس - هفت فقره اجازه نطق قبل از دستور خواسته شده است (نمایندگان - دستور دستور) شروع میشود به دستور. در دستور چند فقره اعتبارنامه است. استیضاح هم هست.

جمعی از نمایندگان - استیضاح استیضاح

[۲ - استیضاح آقای مهندس فریور از هیئت دولت]

رئیس - شروع میکنیم با استیضاح. آقایانیکه موافقت وارد استیضاح بشویم قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای مهندس فریور استیضاح فرموده

بودند آقای نخست وزیر و آقایان وزرا حاضرند بفرمائید.
مهندس غلامعلی فریور - در پیشگاه مقدس مجلس شورای ملی خداوند را بشهادت می طلبم که استیضاح امروز من نه از لحاظ حب و بغض شخصی است بجهت این که همانطور که عرض کردم آقای افشار را در عمرم فقط غیر از يك جلسه دو ساعتی سر میز شام ندیده ام و نه از لحاظ طرفداری یا مخالفت با حزب و طبقه و دسته معینی است صرفاً و منحصرأ برای حفظ مبانی استقلال کشور است. برای حفظ استقلال قضائی کشور است که تلویحاً استقلال مطلق کشور را در بر دارد و چون نتیجه این استیضاح و رأی که در نتیجه این استیضاح مجلس خواهد داد ممکن است در سر نوشت آتیه این کشور

* عین مذاکرات مشروح سی امین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین بی اجازه - آقایان: خلیل دشتی - صفوی - ملک مدنی - نقابت - کفائی - عامری - آصف - تولیت - سلطانی سید ضیاء الدین طباطبائی - فداکار - جواد مسعودی - تهرانچی - تهرانی - معادل

از لحاظ استقلال قضائی و از لحاظ استقلال مطلق کشور دخالت تامی داشته باشد من میخواستیم بدو از آقایان نمایندگان استدعا کنم که صرفاً گفته ها و استدلالات طرفین استیضاح کنند و استیضاح شونده را با کمال دقت استماع فرمایند و توجه فرمایند از روی وجدان و انصاف قضاوت کنند زیرا همانطور که عرض کردم این قضاوت در وضع فعلی این مملکت در آئینه این مملکت مؤثر است. خیال میکنم محتاج بذکر دلیل نباشد که کلیه بدبختی ها و سیه روزیهای ما و سر دسته کلیه خرابی های کشور ما فساد است که به انواع و انعاء مختلف در تمام مراحل حیاتی این مملکت رسوخ کرده است (صحیح است) روزی نیست که در همینجا ناله یک یا چند نفر از آقایان نمایندگان از دزدی و رشوه خواری و اختلاس مأمورین با آسمان نرسد (صحیح است) از نخست وزیر، وزیر، وکیل تا ادنی طبقه تا آن چوپانی که در اقصی نقاط کشور مشغول کوسفند چرانی است از دزدی و اختلاس ناله میکنند (صحیح است) شکایت دارد (صحیح است) اما بنظر بنده فساد فقط دزدی و رشوه خواری و اختلاس نیست سستی، رخت، بی علاقهگی با امور اجتماعی بی اعتنائی با اصول و مبانی اینها عللی هستند که اگر مضارشان از دزدی و ارتشاء بیشتر نباشد بطور قطع کمتر نیست بجهت اینکه اینها علتند و آنها معلول (صحیح است) اگر دزدی و اختلاس در این کشور رواج شده است برای این است که ما با اصول و مبانی اهمیتی که شایسته هستند قائل نیستیم، غرض عین میکنیم (صحیح است) اصل پایه و اساس هر سازمان هر تشکیلات، هر مذهبی خوف و رجاء است یا بیم و امید، بیم بزهکار از مجازات و امید نکوکار به تشویق. در تمام مذاهب و در تمام تشکیلات این دو اصل رعایت شده است. اگر یکی از این دو اصل از بین برود اساس و بنیان هر تشکیلاتی، هر جامعه ای متزلزل میشود (صحیح است) بنظر من علت فساد ما که باین درجه رسیده است تنها فقر مادی نیست درست است که کاد الفقر ان یکون کفرا ولی علت اساسی بنظر من بیشتر عدم مراعات این دو اصل است، ما چه کردیم که باین روز افتادیم؟ مانه تنها

این دو اصل را مراعات نکردیم بلکه درست آمدیم عکس این عمل را انجام دادیم. جامعه ما وقتی خواست بیگناهی را محکوم کند از توسل به هیچ امری خودداری نکرد، بهانه گیری کردیم از گوشه ها و زوایای کتب قوانین گشتیم دلیل تراشیدیم و ماده ای که این بیگناهی را تخطئه بکند پیدا کردیم با هزار من سریشم چسباندیم و او را محکوم کردیم (صحیح است) همانطور هم (جمله معترضه عرض کنم شاید خدای نکرده آقای افشار هم روی همین وسایل محکوم شده باشد، بنده اطلاعی ندارم) وقتی خواستیم محکومی را که محکومیتش ثابت است تبرئه کنیم باز هم از تشبیه بهیچ حشیش خودداری نکردیم، باز گوشه و کنار گردش کردیم دلیل آوردیم، دلیل قطعی هم نشد نشد دلیل مردم گول زن، دلیل ظاهر فریب و آمدیم این شخص را تبرئه کردیم بدون اینکه کمترین احترامی بمقدسات ملی مذهبی اصول و مبانی مملکتی خودمان قائل بشویم. آقای افشار وزیر سابق طرق در ۱۴ خرداد ۱۳۱۵ بموجب حکم صادره از هیئت عمومی دیوان عالی تمیز بانفصال ابد و شش ماه حبس تأدیبی و پرداخت ضعف مبلغ انتفاعی محکوم شده است که حکم هیئت عمومی دیوان عالی تمیز اقرائت میکنم: در موضوع اظهارات عیسی کورس در تحقیقات و در مواجهه با آقای افشار: (استدعا میکنم در نکات حکم دقت فرمایند فوق العاده مؤثر است) دائر به پرداخت مبلغ سی و دو هزار ریال بمشارالیه بابت صدی دو معاملاتی که تجارخانه کورس با وزارت طرق در زمان وزارت آقای افشار کرده بعنوان کمیسیون و اظهارات مرتضی عزیزی و محمود نراقی راجع به چک ده هزار ریالی و اعتراف آقای افشار بالاخره بدریافت مبلغی در همین حدود از کورس نهایت بعنوان استیراض با اینکه بدو منکر اصل اخذ وجهی بود و اخیراً اظهار داشت کورس بدون استرداد مبلغ استیراض قبض ایشان راسترد داشته مؤیداً بسایر قرائن و شواهد قویه مستنبط از تحقیقات مسلم و ثابت و غیر قابل تردید است که آقای افشار در خلال معاملاتی که وزارت طرق زمان تصدی ایشان با تجارخانه کورس کرده نفعی برای خود منظور، بالاخره مبلغ مزبور را

از این بابت از کورس مأخوذ داشته عمل مزبور مشمول ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی و قسمت دوم ماده ۲ و ماده ۳ مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۶ آذر ۱۳۰۶ میباشد ولی باملاحظه سوابق خدمت مشارالیه در مأموریتهای خود و عدم ظهور سابقه از مشارالیه قبل از وقوع این قضیه رعایت تخفیف در مورد او بموقع بنظر میرسد لذا طبق مواد مزبور و شق چهارم ماده ۶۴ قانون مجازات عمومی به شش ماه حبس تأدیبی و تأدیه ضعف مبلغ دریافت شده بخزانة دولت بعنوان جزای نقدی و انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم میشود ۱۳۱۵/۳/۱۴. این حکمی است که از هیئت عمومی دیوان عالی تمیز صادر شده نه از یک شعبه، از هیئت عمومی دیوان عالی تمیز صادر شده مواد مورد استناد رابنده برای استحضار خاطر آقایان میخوانم. مجدداً استدعائی که در بدو عرایض کردم دایر بدقت و توجه آقایان تکرار میکنم ماده ۱۵۷ هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالمباشرة یا بتوسط وسائط در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تخصیصات و امتیازات دولتی که در تحت مدیریت یا نظارت او بعمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت بر عهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجهی که بر حسب وظیفه بعهد او بوده یا تفریح حسابی که باید بعمل آورد برای خود نفعی منظور دارد علاوه بر انفصال از خدمت دولت محکوم بتأدیه ضعف انتفاعی که منظور داشته است خواهد شد. این ماده ۱۵۷ متن حکم بود. ماده دوم و ماده سوم قانون مجازات مختلسین اموال دولت را هم میخوانم: ماده دوم اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲-۱۵۳-۱۵۷ شوند علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد فوق الذکر... (بنده تکیه نمیکنم برای اینکه هیچکس تردید نکند) محکوم به مجازات ذیل خواهند شد هر گاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از ششماه تا دو سال هر گاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا ده سال. ماده سوم انفصال از خدمت دولت در مواد سه گانه مذکور بطور موقت معین گردیده ابدی خواهد بود. اینهم ماده ۳ منتها باتکاء

ماده ۴ که مراعات تخفیف شده است آنرا هم برای آقایان میخوانم. استدعا میکنم دقت فرمایند در موارد جنایات در صورتیکه مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه میتواند مجازاتهای جنائی را بطریق ذیل تخفیف دهد: ۱- اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه. ۲- حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه مجرد. ۳- حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد. ۴- حبس مجرد به حبس تأدیبی که کمتر از ششماه نباشد مقصود ما قسمت چهارم است. مطلب بنظر بنده بقدری واضح است که جای کوچکترین شبهه و تردیدی برای کسی باقی نمیماند. جرم اختلاس است، در حکم ذکر شده است و بنابراین جنایت است اصل مجازات طبق قسمت ۲ از ماده ۲ قانون مجازات مختلسین است یعنی دو تا ده سال حبس مجرد با تأیید باینکه ماده ۴۴ اساساً مشمول مجازاتهای جنائی است (صحیح است) دو این یک خط ماده چهل و چهار نمیدانم آقایان دقت کرده اند یا نه و دودفعه حکم جنایت را تکرار میکنم مینویسد در موارد جنایات در صورتیکه مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه میتواند مجازاتهای جنائی را بطریق ذیل تخفیف دهد. اصل مجازات انفصال ابد معین شده است چندجا تکرار شده است علاوه بر انفصال ابد از خدمت دولت محکوم به مجازاتهای مذکور در ماده ۲ شده است در ماده ۲ هم تأکید کرده است انفصال از خدمت دولتی که در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ ذکر شده است ابدی است. در ماده دو مینویسد (دو مرتبه میخوانم) اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲-۱۵۳-۱۵۷ شوند علاوه بر مجازاتهای مذکور محکوم به مجازاتهای ذیل خواهند شد. آقای افشار طبق این مواد محکوم شده است بعلاوه مطالب دیگری هم در سایر قوانین برای تأیید این مطالب پیدا کردم که باز بعرض آقایان میرسانم که هیچ جای سوسه نداشته باشد قسمت ۴ و ۲ از قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولت است مصوب ۳۹

اگر چه کلمه عربی است ولی من حالا فارسی تلقی میکنم چون جزو زبان ملی ما شده، یعنی تقاضای توضیح، یعنی يك مطلبی که بنظر نماینده رسید و موجه بنظرش نیاید این مطلب قابل استیضاح است، یعنی میگوید توضیح بدهید. روشن بکنید که این عمل مقرون بچه کیفیاتی بوده و چرا این کار واقع شده است بنده راجع باین موضوع استیضاح انفاً از دیروز بر خوردم باین مطلب آقایان و با خود آقای مهندس فریور هم صحبت کردم بعد بر خوردم بیک مطالبی و مطالعه کردم به بینم که نمایندگان ملت هر فرد یا همه شان میتوانند دولت را در این اقدام خاطی و قابل ملامت بدانند یا خیر. بدیهی است برای تشخیص این مطلب باید بمبانی و خصوصیات این امر وارد شویم و مطالعه بکنیم. در نتیجه مطالعه مسلم شد اصل مطلب مورد بحث تفسیری است از يك قوانینی که در این مملکت جاری است... (دکتر معظمی قانون اساسی را چه میفرمائید؟)

رئیس - آقا صحبت بین الاثنین نکنید

شریعت زاده - بعدتذکر میدهم خوب این تفسیر یعنی چه؟ و چطور در يك مملکت تفسیر میتواند قابل استناد باشد و در چه تفسیر چیست و حدود آن تا چه اندازه است. تفسیر قوانین علی الاصل بر چند قسم است یکی تفسیر اجتهادی است که یکی از دانشمندان بیک مناسبتی راجع بیک قانونی در کتابش مینویسد یکی هم تفسیر قضائی است که مقامات صالحه قضائی تشخیص میدهند که این ماده قانون ناظر باین معنی است یکی دیگر هم تفسیر قانونی است تفسیر قانونی تفسیری است که مجلس شورای ملی وظیفه دار است و میکند. حالا صحبت در سر این است که یکی از مستخدمین یا وزراء در گذشته بموجب حکم دیوان کشور محکوم شده است و با آنکه در آن حکم قید شده است که این شخص بشش ماه حبس تأدیبی و انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم شده است دولت بیک چنین شخصی کاری رجوع کرده است و تمیبابستی بکند. ما باید در اینجا تشخیص بدهیم که رویه دولت چه بوده و عملش آیا يك عملی است که تلافی مقرون با سوء نیت بوده یا خیر؟ بنده عرض

میکنم پاسخ این منفی است. چرا؟ البته حالا توجه خواهید فرمود که استدلال چیست. وقتی که آقایان موافقت کردند که دیوان کشور موجود سوابق قضائی و اصول قضائی است هیچ دلیلی ندارد که ما این شخصیت و حیثیت و تأثیر وجودی را از دیوان کشور خودمان سلب کنیم. دیوان کشور در مورد متناسبی قضاوت کرده است در مورد بیکه بتمام معنی شبیه باین مورد است يك قضاوتی کرده است کشور؟ دیوان کشور تشخیص داده که در هر مورد بیکه متهمی بدو مجازات محکوم میشود و هر دو مجازات اصلی است مجازات اشد قابل اجرا است حالا این چه سابقه دارد عرض میکنم....

دکتر معظمی - بموجب کدام حکم؟

رئیس - بگذارید حرفش را بزنند آقا...

شریعت زاده - بنده دارم يك توضیحاتی خدمت آقایان عرض میکنم آقای دکتر معظمی توضیحاتی را که من اینجا میدهم و بیان میکنم توجه بفرمائید اینجا هم کرسی خطابه است و این کرسی هم برای این است که هر يك از آقایان مایلند توضیحاتی عرض نمایندگان ملت بفرمایند تشریف بیاورند و بگویند و این حرفها هم تأثیری ندارد برای اینکه با این اظهار مختصر هم بنده قانع میشوم

دکتر معظمی - بنده از این تأسف میخورم که چطور ضمن نطق تان ناحق را دارید حق میکنید (خنده نمایندگان) رئیس - یعنی چه؟ آقا صحبت بین الاثنین نکنید

شریعت زاده - عرض کنم آقای مهندس فریور حکم دیوان کشور را در اینجا خواندند آیا هیچ مانعی دارد که يك کسی هم که میخواهد پاسخ بدهد استناد بحکم دیوان کشور بکند؟ البته خیر. آیا صحیح است گفته شود شما که میخواهید در برابر اظهارات ایشان پاسخ بدهید بهمان حکمی که از همان دیوان کشور صادر شده استناد کنید؟... (صحیح است) پس اشکالی ندارد و خوبست شما هم گوش بدهید اگر صحیح نبود بعد تشریف بیاورید اینجا و اظهاراتان را بفرمائید (صحیح است) یکی از مستخدمین دولت بنام

سیف الله سهامی قبل از شهریور ۱۳۲۰ در دیوان کیفر کارکنان دولت محکوم شده است بانفصال ابد از خدمات دولتی و شش ماه حبس تأدیبی و استرداد دو برابر وجه مورد ارتشاء دیوان جزا در حکم خود تصریح کرده است که این مجازات چون مجازات اصلی است مجازات اشد یعنی حبس تأدیبی باید اجرا شود از این نظر دادستان دیوان کشور استدعای فرجام کرده است....

مهندس فریور - استدعا میکنم حکم محکومیتش را بخوانید.

شریعت زاده - اجازه بدهید همانطور که آقا قرائت فرمودید اجازه بدهید بنده هم قرائت میکنم آنوقت ببینیم نتیجه اش چه میشود. مینویسد:

در خصوص شکایت استخدای سیف الله سهامی امین دارائی سابق رامهرمز بطرفیت وزارت دارائی (اداره باز نشستگی مایخصاً آنکه در ۱۴ فروردین ۳۱۲ شکایت کننده در دیوان کیفر بموجب ماده ۱۳۹

مهندس فریور - ماده ۱۳۹ نه ۱۵۷

شریعت زاده - و ۲۳۸ قانون کیفر سابق محکوم گردیده و دادگاه اشد کیفرها را که اجرای مدلول ۲۳۸ قانون کیفر همگانی شش ماه زندانی تأدیبی است معین و در حق محکوم علیه اجرا گردیده ولی دادستان دیوان کیفر اجرای مدلول ماده ۱۳۹ قانون را که گرفتن دو برابر جرم و انفصال از خدمات دولتی باشد مجازات تشخیص و از حکم مزبور بدیوان کشور شکایت نموده و در دیوان کشور مقرر گردید - که اجرای مدلول ماده ۲۳۸ مجری گردد (مهندس فریور - ماده ۲۳۸ به ماده ۱۵۷ چه کار دارد آقا؟) بالجمله پس از اجرای حکم اینک علاوه بر مدت پنج سال چهار سال دیگر از محکومیت شاکی میکند و وزارت دارائی برخلاف قانون از ارجاع کار بشکایت کننده مانع مینماید مراتب از وزارت دارائی استعلام در پاسخ نگاشته اند چون سابقاً سهامی در دیوان کیفر کارمندان بجرم ارتشاء بشش ماه حبس تأدیبی و انفصال دائم از خدمات دولتی و تأدیه

۱۶۰۰ ریال بخزانة دولت محکوم گردیده و هر چند که دادسرای دیوان نامبرده فقط کیفر اشد (ششماه زندانی تأدیبی) را درباره او اجرا نموده باشد چون در حکم دادگاه دیوان کیفر محکومیت او بانفصال دائم از خدمات دولت نیز قید و تصریح گردیده و کیفر تبعی هم علاوه بر کیفر اصلی که اشد آن اجرا شده قابل اجرا بوده و دلیلی هم برای بخشودگی از کیفر تبعی و مشمول ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی نسبت باین مورد نیست.

مهندس فریور - میگوید مشمول ماده ۲۳۸ است شریعت زاده - درست توجه بفرمائید. این استدلال وزارت دارائی است.

لهذا وزارت دارائی بلحاظ محکومیت نامبرده نسبت بتجدید استخدام او موافقت ندارد (شکایت نامه شاکی در ۲۶/۴/۱۳۱۹ بدفتر دیوان کشور رسیده است و برای رسیدگی به شعبه اولی فرستاده شده است. در تاریخ ۳۱/۲/۳۲۰ جلسه رسمی شعبه نامبرده مرکب از آقایان مزقومین تشکیل جناب آقای تقوی رئیس - آقای علی هیئت مستشار - آقای فضل الله آشتیانی و پس از خواندن گزارش آقای صادق بروجردی (که بنده بروانش درود میفرستم برای اینکه یکی از قضات صالح این کشور بود) و ملاحظه نظریه آقای اعتماد مقدم دادیار دادسرای دیوان کشور که مبنی بر ورود شکایت شاکی مشاوره نموده چنین رأی میدهند.

چون انفصال ابد از خدمات دولتی بعنوان کیفر تبعی نسبت بکیفر اشد که ششماه حبس تأدیبی بوده مورد حکم واقع نشده بلکه در کیفرهای معینه اصلی است که برای هر يك از دو جرم ارتشاء بطور بیکه جداگانه در حدود ماده ۱۳۹ قانون کیفر عمومی بارعایت قانون مصوب مهزماه ۳۱۱/ معین گردیده است و چون جرم اشد که ششماه زندانی است اجرا شده دیگر مجوز قانونی برای اجرای کیفرهای دیگر نمیباشد و بنابر این دفاع وزارت دارائی غیرموجه و شکایت شاکی وارد است.

عرض کنم پس معلوم میشود قوه قضائیه مملکت یعنی عالی ترین

محکمه کشور تشخیص داده است که در هر موردی که دو مجازات برای يك فردی معین میشود فقط آن مجازات اشد قابل اجراست. حالا مطلب این جاست که ممکن است گفته شود که نفوذ و نیروی این سوابق قضائی تا چه درجه است بنده عرض میکنم که در مورد خودش قابل بحث نیست که در موارد مشابه هیچ دولتی مجاز نیست که مخالف آن رفتار کند (چرا؟ برای اینکه این نیروی اخلاقی دارد) و محاکم هم اکثرأ نمیکنند خوب علاوه بر اینکه در عین حال رئیس دولت با کمال متانت و خونسردی خواسته است تحقیقات دیگری هم بکنند دادستان کل دیوان کشور (آقای وجدانی) که یکی از قضات برجسته و صالح و کسی است که جز حسن نیت و شایستگی و معلومات عمیق قضائی از او کسی چیزی سراغ ندارد اظهار نظر کرده است که هیچ مانع ندارد در ارجاع کار بایشان این را هم بنده میخواهم... (مهندس فریورسؤال را هم بخوانید) بلی آقای نخست وزیر می نویسند. جناب آقای دادستان دیوان عالی کشور چون در نظر است شغلی با آقای رضای افشار رجوع شود خواهشمند است معلوم فرمائید رجوع شغل بایشان طبق مقررات و اصول اشکالی دارد یا خیر که موجب امتنان خواهد شد (نخست وزیر) جناب آقای دادستان کل کشور اینطور می نویسند: جناب آقای نخست وزیر در پاسخ نامه شماره ۶۲۴ مشعر باستعلام از اینکه ارجاع شغل با آقای رضای افشار طبق مقررات اشکال دارد یا نه بعرض میرساند در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۱۵ حکمی از دیوان تمیز وقت بر محکومیت آقای رضای افشار بکیفر ششماه حبس تأدیبی و پرداخت مبلغی وجه نقد به خزانه دولت و انفصال ابد از خدمات دولتی صادر گردیده و مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی در اثر مرور زمان از لحاظ اعاده حیثیت آثار حکم مزبور باید فعلاً مرتفع شده باشد...

مهندس فریور - باید مرتفع شده باشد!!... (خنده نمایندگان)

شریعت زاده - عرض کردم این تفسیر تفسیر يك مرد

قضائی است و اشکالی هم ندارد قرائت بشود (دکتر معظمی حق ندارد) و هر محکمه هم بالاخره از اشخاص فیزیک تشکیل میشود و نظرشان هم محترم است... اما چون يك قسمت از کیفر مقرر در آن حکم انفصال ابد از خدمات دولتی است رفع این اثر بمورد اختلاف انظار قضائی واقع گردیده ولی بنظر شخصی اینجانب (دکتر معظمی - نظر شخصی است آقا) با ملاحظه اینکه کیفر انفصال ابد از خدمات دولتی شخصاً کیفر تبعی بشمار میرود اگر چه بصورت کیفر اصلی در حکم قید شده باشد اصولاً با اعاده حیثیت اثر کیفر مزبور نیز مرتفع خواهد شد و بالتبعیجه دادن شغل دولتی بنامبرده اشکالی ندارد دادستان کل عرض کنم حالا اینجا بنده میخواهم يك توضیحی بدهم خدمت آقایان مخصوصاً آقای دکتر معظمی توجه فرمائید عرض کنم موضوع اعاده حیثیت یکی از اصول مهمه قوانین مجازاتی است وقتی که يك کسی مرتکب جرمی شد و محکوم شد مطابق مقررات قانون اعاده حیثیت او مسلم میشود اگر جنحه باشد در يك مدتی و اگر جنائی باشد در يك مدتی بیشتر حالا میخواهم عرض کنم که غیر ممکن است يك اصلی در تأثیرش تبعیض بشود وقتی که يك محکومی اعاده حیثیتش مسلم میشود (با اینکه در قانون هم اصولاً عرومیت از این نوع حقوقها راجعاً مجازات تبعی قرار داده است) بخودی خود آثار جرم رفع میشود این یکی. حالا بنده از اینجا نتیجه میگیرم مضافاً باینکه در این مورد بخصوص يك مجازات مستقل و بالاصاله (نه تبعی) معین شده است و مطابق تشخیص دیوان کشور و اصل قضائی در مورد این حکمی که الآن خواندم اصولاً در این قبیل موارد باید مجازات اشد اجرا شود و مجازات اخف مرفوع الاثر است و این يك اصل قضائی است که با این صحبتها تخلف از آنرا هیچکس مجاز ندانسته است حالا احکام دیگری هم از دیوان کشور راجع باین قبیل موارد صادر شده است که مورد لزوم نمیدانم بعرض آقایان محترم برسانم. عرض کنم که يك مهندس فریور - نه خیر. فرمائید... این را هیئت عمومی محکوم کرده مورد استشهاد شما حکم یکی از شعب تمیز است.

شریعت زاده - مطلبی ایشان فرمودند که دیوان تمیز هیئت عمومی يك مأموری را محکوم کرده است و این شعبه است بنده نفهمیدم این استدلال از چه نظر است... (دکتر معظمی - بنده عرض خواهم کرد) بنده عرض میکنم که هیئت عمومی دیوان تمیز یا شعبه دیوان تمیز یکی است با يك فرق که در مورد محاکمه وزراء دیوان کشور در حکم يك محکمه نخستین است ابتدائاً مطابق قانون مخصوص رسیدگی میکند بدیهی است اعتبار و نتیجه قضاوتیکه از دو درجه گذشته است قطعاً بیشتر است. چرا؟ برای اینکه محکمه تالی یعنی دیوان جزا هم تدقیق کرده است این طور هم حکم داده است و این حکم هم در دیوان کشور ابرام شده بعلاوه در ممالک دیگر کلیه سوابق و نظریات و اصول قضائی و زورس پرودانس هائی که از هیئت عمومی و کلیه شعب دیوان کشور صادر میشود کلیه این تصمیمات و نظریاتشان سابقه قضائی و اصول قضائی را تشکیل میدهد. مطلبی هم آقا فرمودند از نظر قانون اساسی بنده خیال میکنم متن اصل ۲۹ قانون اساسی با تشخیص و نظر دیوان کشور متناقض نیست دیوان کشور هم اصل این است که وقتی تصمیمی می گیرد تمام قوانین آشنا و متوجه است و بدیهی است هر روزی هم که محکوم شده باشد تا وقتی که اعاده حیثیتش نشده باشد همینطور است که میفرمائید ولی بموجب قانون و بطور کلی هر کسی بدون استثناء پس از اعاده حیثیت آثار جرم دیگر در او حکومت ندارد و تأثیری در هیچ موردی ندارد قانون اساسی هم منع نمیکنند او را پس این طور نتیجه می میگیریم که این موضوعیکه آقای مهندس فریور موضوع استیضاح خودشان قرار دادند يك موضوع نظری است و در موضوعات نظری هم آن مرجعی که حق اعمال نظر دارد یعنی دیوان کشور اعمال نظر کرده نظر او تطبیق می کند با نظر دولت و نشان میدهد که دولت نه تنها از نظر اطلاعات و تخصص اعضای خودش این موضوع را مواجه با هیچ مانعی نمیدید بلکه از يك شخص صلاحیتداری هم استفسار کرده است او هم اظهار نظر کرده است که مانعی نیست حالا مطلب

سر این است که به بینیم این استیضاح بچه چیزی منتهی می شود در اینکه دولت ما با حسن نیت يك اقدامی را کرده و يك موضوعی را که نظری بوده است عملی کرده است و تا وقتی که در مجلس شورای این قوانین استنادیه دیوان کشور تفسیر نشود تشخیص و تفسیر قضائی دیوان کشور معتبر است و البته شکی نیست که مجلس شورای ملی و امیدوارم که خود آقایان استیضاح کنندگان هم تصدیق فرمایند مانعی ندارد که دولت که با نظریه دیوان کشور راجع بخدمت وجود مانع در ارجاع شغل بایشان اقدام کند و این اقدام را نمیتوان مبتنی بر نیتی دانست که بتوان گفت در آن شائبه بوده است آقای ساعد نخست وزیر را همه ماها میشناسیم که مرد شریف و پاکدامنی و شایسته هستند (صحیح است) آقایان وزرای دیگر هم مردمان شریف و با فضل و دانشمندی هستند و هیچ دلیلی نیست که ما در این موقع مملکت که بگوئیم يك رئیس الوزرائی که صادقانه همت کرده است که باین مملکت خدمت کند مأخوذ بسوء نیت در يك اقدامی که دلایل میخواهد نشان بدهد که هر شخصی ممکن است این نظر را داشته باشد... **جمعی از نمایندگان** - کسی نگفت سوء نیت. ممکن است اشتباه کرده باشند.

شریعت زاده -... اما اشتباه نمیتواند منشاء نظر نفی و اثباتی بشود که يك دولت در يك کاری که بمنظور رفع يك مشکلاتی انجام داده است این منتهی بشود بيك سرزنش و یا ملامت و یا استیضاحی که منتهی بشود بيك تصویری که بعضیها ممکن است بکنند در هر صورت بنده از آقای نماینده محترم تقاضا میکنم، که باین توضیحات دقت بکنند و اطمینان داشته باشند که دولت در این اقدام نظری نداشته و مجوزاتی که بنده در این جا موجهاً ذکر کردم برای هر کس که صاحب نظر است میتواند او را وادار کند که این رویه را اتخاذ کند.

دکتر کشاورز - البته بنظر شما.

شریعت زاده -... بنظر هر کس...

رئیس - آقا این که نمیشود بین حرف اشخاص صحبت

کرد ایشان يك مطالبی را میگویند شما هم بگذارید اگر جرفی دارید بعد صحبت بکنید .

شریعت زاده - از آقایان محترم اجازه میخواهم يك مطلب هم راجع بمقدمه نطق آقای مهندس فریور عرض کنم ایشان گفتند که عادت پارتشاه و فساد مملکت را بطرف خطر دارم سوق میدهد بنده اصولاً با این نظر موافق هستم ولی میخواهم عرض کنم که این عادت فقط در يك اقلیتی است که بهیچوجه در صلاحیت و شایستگی و رشد اجتماعی ملت ایران تأثیر ندارد اگر يك اقلیتی فاسد باشد باید نسبت به آنها جامعه تعیین تکلیف بکند و اگر يك اقلیتی فاسد باشد يك میلی را نمیتواند بطرف فنا سوق بدهد ملت ایران بر مشکلات و دشواریها غلبه خواهد کرد و البته اشخاص فاسد را هم در جای خودشان می نشاند اما نباید تصور کرد که این مشکلات برای ملت ایران و مملکت ایران خطر است **رئیس** - آقای ایرج اسکندری نوبه خودشان رامیدهند بآقای مهندس فریور .

آقای مهندس فریور - بفرمائید .

مهندس فریور - بنده هیچ وارد نمیشوم . که جواب مقدمه بیانات آقای شریعت زاده را بدهم برای اینکه مدتی درباره اشتقاق کلمه استیضاح صحبت کردند و مدتی معنی کلمه تفسیر را فرمودند که خیال نمیکنم در اصل موضوع زیاد دخالت داشته باشد اساساً بنده در بیانات اولیه خودم عرض کردم حرف هم زدم که ما برای محکوم کردن يك کسی میرویم دلیل میبرائیم برای او با سریشم هم می چسباییم برای تبرئه کردن هم همینطور جدم صائب بود ملاحظه فرمودید هیچ دلیلی نتوانستند ذکر کنند حکمی آوردند از شعبه يك دیوان عالی تمیز جواب شکایتی که يك کارمند کثرتانی سهامی نام يك کارمند عادی حالا نمیدانم رجه فرق نمیکند يك کارمند عادی که مطابق يك مواد دیگری که محکوم شده است هیچ باماده محکومیت آقای افشار انطباق ندارد يك شعبه دیوان کشور حکمی صادر کرده بدون اینکه هر قدر اصل از کثرتان اصل حکم محکومیت را از آن بکشند که

صادر شده است ماده ۹ آیین دادرسی مدنی را برای آقایان میخوانم : ماده ۹ هیچ مقام رسمی و هیچ اداره دولتی نمیتواند حکم داد گاه داد گستری را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلو گیری کند مگر خود داد گاهی که حکم داده و یا داد گاه بالاتر آنها در مواردی که قانون معین میکند . يك حکمی آقای ستهامی که معلوم نیست مبتدایش چیست ، خبرش چیست شاید اصلاً تطبیق نکند با موضوع تطبیق هم نمیکند راجع بکار خودش بوده است طبق نص قانون هر حکم برای موردی که جهت آن مورد صادر شده است نافذ است اشیاء و نظایر مورد ندارد آقایان ممکن است بنده و آقا برویم در يك محکمه با يك جرم محکمه بنده را محکوم کند آقا را تبرئه کند (طباطبائی - چطور ممکن است آقا؟) هر حکمی مطابق قانون برای آن موردی که صادر شده است قابل اجرا است این که تردیدی ندارد . حالا آقای شریعت زاده فرمودند از نیروی اخلاقی فورس ژوریدیک این آقا میخواهیم استفاده کنیم دو حکم مشابه را بگیریم استفاده کنیم این دو حکم باهم مشابه نیستند این قیاس قیاس مع الفارق است بقول آخوندها معنی ندارد آقایان - يك مطلب دیگری هم آخر سر فرمودند که استیضاح مطلب نظری است بنده نمیدانم خیال میکنم همه کارهای ما نظری است اگر يك وزیر هم بنده است حکم محکومیش صادر بشود و چقدر کاربرد تاحکم محکومیت يك وزیر صادر شود که خیال نمیکنم دیگر باین زودی ها بشوند تازه میگویند که آن شش ماه حبس تأدیبی مجازات است و انفضال این مجازات اخف است قانون اساسی هم زیرا گذاشتن بنده نمیدانم چه چیز دیگر برای ما غیر نظری نمیدانم آقای شریعت زاده میفرمایند اقلیتی فاشد است امیندو ازم که اینطور باشد همینطور هم هست ولی آخر يك اقلیتی است که از شش پستیبانی میشود حمایت میشود آقای مقامی ! جناب عالی در مسند یکی از عالی ترین کرسی های قضاوت این مملکت جلوس فرموده بودید در يك چنین مسند قضاوتی ورود فرموده بودید شما را بخدا و وجدانتان و برای حفظ این مملکت حکم میدهم بیا اینها صحبت و علاقه باین عزیز

را دور بیندازید استنباط قضائی خودتان را بفرمائید دیگر بنده عرضی ندارم .

وزیر دادگستری (آقای مقامی) - من متأسفم از اینکه اولین نطقی که در این مقام مهم ایراد خواهم کرد در مقابل يك استیضاحی واقع شده است . البته نطق و بیان بنده در مقابل بیان شیوای آقای فریور قاصر است و راجع باصل قضیه جناب آقای نخست وزیر البته توضیحاتی خواهند داد ولی از نقطه نظر قضاوت و قانون بنده فقط در اطراف آن ممکن است چند کلمه عرض کنم امروز تفسیر قانون اساسی که از صلاحیت مجلس است یا از صلاحیت مجلس نیست يك مسئله است نظری ...

جمعی از نمایندگان - از وظایف خاصه مجلس است .

وزیر دادگستری - اجازه بفرمائید میخواهم از روی نظریه قضائی عرض کنم . فرض کنیم که اگر مجلس راجع بيك قضیه مخالف قانون اساسی يك قانونی را وضع کرد البته قضات نمیتوانند بگویند که این قانون که از مجلس گذشته است برخلاف بوده است و ما نمیتوانیم آنرا اجرا کنیم مثلاً در قانون اساسی ما گفته اند دیوان کشور برای تمام کشور یکی است آنها هم در مرکز است . در زمان مرحوم داور يك قانونی گذشت و بمحاکم استیناف حق رسیدگی تمیزی دادند البته این برخلاف صریح قانون اساسی است ولی يك مقام بالاتر از مجلس نبوده است که بگوید این عمل صحیح بوده است یا نبوده است . قضات مجبور بودند که آن قوانین را محترم بشمارند و چاره دیگری ندارند و نمیتوانند بگویند که صحیح نبوده است دیوان کشور در مسائل قضائی اگر خطائی کرده باشد و فرضاً يك شخصی را اشتهاً محکوم به اعدام میکنند این يك نظریه است و نمیتواند قضات را محاکمه نماید این راهم میخواهم عرض کنم يك قضایائی است که در میان مردم راجع بقضاوت صحبت هائی میکنند البته آقایان میدانند قضات از روی اسناد و مدارك موجوده کتب در خارج تهیه میشود قضاوت میکنند روی علم و اطلاع خودشان نمیتوانند حکم بدهند این مدارك که در خارج تهیه میشود و روی آن

حکم میدهند ممکن است بر خلاف واقع تهیه شده باشد مثلاً در جریمه يك پاسبان وقتی يك گزارش داد همان پاسبانی که باو ماهی ده تومان بیست تومان پنجاه تومان میدهند وقتی روی يك جرم یا يك قتلی گزارش داد آنرا اما گزارش رسمی تلقی میکنیم و روی آن حکم میدهیم و نمیتوانیم بگوئیم این پاسبان گزارشش اهمیت نداشته است و با خود ما نمیتوانیم محاکم را متهم کنیم که روی گزارش پاسبان چطور این حکم را داده است ما شاید در انظار مردم اینطور تلقی شود که چطور روی گزارش يك پاسبانی محاکم حکم میدهند البته قضات در اینگونه مواقع مجبورند بمدارکی که در پرونده هست استناد نموده و حکم بدهند نمیتوانند قضات را تخطئه نماید بلی ممکن است در يك وقتی يك قضایائی در يك مملکت بر طبق قوانین موجوده جرم شناخته بشود و محاکم بر طبق آن قوانین آن اشخاص را محکوم میکند ولی در يك موقع دیگر شاید آن عقیده که قبلاً جرم بوده است یکی از مقدس ترین عقاید میشود این را نمیتوان محاکم را تخطئه نمود و گفت که چرا شما نسبت باین قانون عمل کرده اید؟ يك اصلی که کاملاً محترم است این است که مجلس وقتی قانونی وضع کرد قضات مجبورند که آن اصول را رعایت کنند و بآن قانون عمل کنند و بهمین نظر است که قانون اعاده محاکم را تجویز کرده آمدیم راجع باین موضوع البته چیزی که خیلی نظر دقت آقایان را جلب کرده است اصل مسلمی است که در تشخیص مواد قانونی اگر قضات بین خودشان اختلافی کرده باشند و نظرشان مختلف باشد و هر يك بر طبق نظر خودشان باستناد همان ماده حکم بدهند و کسی شکایت بکنند قضات چرا این ماده را مختلف تفسیر کرده اند محکمه انتظامی که مرجع رسیدگی آن شکایات است نمیتواند آنها را محکوم کند چون نظر قضائی است و باز خواست بر نظر قضائی محاکم وارد نمیشود در این موضوع مسئله ابدیت کسه مورد مناقشه است موجب این همه مناقشات شده است البته آقایان هم در اطراف این کلمه نظر یاتی دارند مسئله ابدیتی که در قوانین مجلای هیئت آن ابدیت بمعنای حرفی نیست چرا؟ بجهت این که ما می بینیم در بعضی قوانین میگویند که این شخص

بجس دائمی و ابدی محکوم شده است یعنی الی الابد و مادام العمر باید در حبس بماند تا بمیرد از آن طرف قانون دیگری است می آید و میگوید اگر مورد عفو واقع شد يك درجه تخفیف داده میشود در اینموقع حبس ابد تبدیل بموقت میشود و ابدیت از بین میرود یعنی این ابدیت را قانون دیگر از بین میبرد اعاده حیثیت راهم بعضی از علمای حقوق عقیده دارند و میگویند نظیر همین موضوع است مثلاً در محکومیت های جنائی خواه در حکم تصریح شده باشد یا نشده باشد محکوم از حقوق اجتماعی محروم میشود معنای محرومیت از حقوق اجتماعی یکی هم محرومیت از استخدام در دوائر دولتی است که آنهم یکی از حقوق اجتماعی است وقتی میگوید از حقوق اجتماعی محروم است این جمله بطور مطلق است موقت نیست یعنی الی الابد است.

قانون اعاده حیثیت میگوید اگر این شخص پس از ده سال یا ۵ سال اعاده حیثیت کرده باشد از حقوق اجتماعی کسه محروم بود صرف نظر میشود و کما فی السابق شخص عادی میشود بنابراین کلمه ابدیت خیلی نظر آقایان را جلب نکند البته يك نظریه قضائی است بنابراین در این قسمت همانطور که عرض کردم جناب آقای نخست وزیر در اطراف اصل مطلب توضیحاتی خواهند داد بنده همینقدر خواستم عرض کنم که آقایان خیلی از این کلمه ابدیت وحشت نکنند اما راجع به آقای افشار در محاکمه آقای افشار این حکم را با اکثریت یک نفر صادر کرده است نه اینکه همه مستشاران دیوان کشور با اتفاق رأی داده باشند با همه این بنده عرض نمیکنم که این حکم متبع نیست مادام که اکثریت در يك محکمه رأی داده متبع است ولو اقلیت دلیلشان هم خیلی قوی باشد دیوان کشور در مورد محاکمه وزراء مثل يك محکمه بدوی است و يك وضعیت خاصی ندارد همانطور که چطور يك مجرمی در يك محکمه محاکمه میشود چون وزراء در محاکم دیگر محاکمه نمیشوند و در دیوان کشور محاکمه میشوند حکم صادره از آنجا مثل حکم بدوی است و اهمیت خاصی ندارد که گفته شود چون از دیوان کشور صادر شده

است لایتغیر است یا اینکه گفته شود چون از طرف هیئت عمومی دیوان کشور است با اهمیت تر است حکم هیئت عمومی تمیز در مواردی متبع است که نسبت بآن حکم تقاضای تمیز کرده باشند و بعد در شعبه رأی بدهند و محکمه قبول نکند و باز هم بر طبق رأی سابق خودش رأی بدهد آنوقت هیئت عمومی می آید رأی میدهد و قاطع است ولی در مورد محاکمه وزراء اینطور نیست چطور ممکن است يك محکمه بدوی محاکمه بکند و خطا بکند مقصود این است که تصور نشود این را هیئت عمومی دیوان کشور حکم داده است و رأی داده است لایتغیر است بنده از نقطه نظر قضائی این عرض را کردم (یک نفر از نمایندگان - راجع بآن قسمت قانون اساسی چیزی فرمودید) بهر حال مسئله تمیز در آن گونه موارد رأی هیئت عمومی دیوان عالی قاطع و متبع است و نمیتوانیم بگوئیم این برخلاف رأی داده است و ما دیگر این را نمی شناسیم چطور که رأی مجلس متبع است در این قبیل موارد رأی دیوان کشور هم متبع است و البته قضات هم از مجموع قوانین موضوعه حکم مورد دعوی را صادر میکنند مثل اینکه در احکام می نویسند از مجموع مواد مستنبطه حکم قضیه این است و بطوریکه عرض کردم ممکن است این استنباط صحیح نباشد ولی این را از نظر قضائی میگویند و نمی شود گفت قاضی که این نظر را داده باید محاکمه شود.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - آقایان رفقا از نطق آقای شریعت زاده خیلی متأثر شدند و هیچ منتظر نبودند ایشان در چنین مورد چنین نطقی کنند.... (صحیح است)

مرآت اسفندیاری - صحیح نیست!

دشتی - صحیح نیست چرا؟ از نقطه نظر اینکه آقای مرآت فرمودند صحیح نیست عرض میکنم برای اینکه کار وکیل عدلیه چیست؟ يك وکیل خوب عدلیه آن کسی است که بتواند يك حقی را باطل یا باطلی را حق کند....

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقای!

کاظمی - اینطور نیست آقای! دشتی عرض کنم که بنظر بنده صعوبت موقع هم آقای شریعت زاده را تحریک کرد که موضوع را در دست بگیرند و حرف بزنند عرض کنم که بنده شخصاً از کسانی هستم که آقای افشار را يك مرد لایقی میدانم و میل هم دارم که باو کار داده شود و در این قسمت استیضاحی هم که الآن تقدیم مجلس کرده اند شرکت نکردم اما يك چیزی است يك مسئله است که این را باید و کلای مجلس عاری از تعقیب و خالی از این تحزب هائی که اخیراً در مجلس شده است و معمول شده است مورد بحث قرار بدهند و آن محافظت اصل است محافظت اصل بنظر بنده برای همه ماها از یقین است حتی اگر مربوط بخود ما باشد برادر ما باشد پدر ما باشد مخالفت با اصل کردن بنظر بنده خیلی قبیح است و بنظر بنده از طرف مجلس شورای ملی قبیح تر است (صحیح است) میگویند که هر چه بکنند نمکش میزنند وای بوقتی که بگنند نمک مجلس شورای ملی باید مظهر قانون باشد ما بدون ذره تخلف باید سعی کنیم قوانین اجرا شود و کوچکترین تخلف از قوانین را باید جرم بدانیم جرم چیست؟ جرم یعنی تخلف از قوانین حالا اگر ما خودمان تخلف کردیم از قوانین آنوقت آیا متوقع هستیم سایرین قوانین را اجرا کنند؟ عرض کنم وقتی کابینه آقای ساعد معرفی شد و بنا شد آقای ساعد بیایند زمامدار بشوند دو صفت خوب در ایشان تشخیص داده شد و آن مورد تصدیق همه آقایان بود یکی اینکه ایشان شخص درست و شریفی هستند و یکی اینکه شخص پاکدامنی هستند و بنده هم یکی از کسانی هستم که این دو صفت ایشان را تصدیق میکنم و بنا بر این از ایشان متوقع هستم در این مرحله با کمال درستی و شرافت باشوند آنچه صلاح مملکت و صلاح قانون است عمل کنند و مشاخره و مناظره های پارلمانی را وقتی نگذارند باشوند آنچه وظیفه وجدان ایشان است عمل کنند (صحیح است) و حقایق را بفرمایند. اینجا يك صحبت هائی میشود راجع باین موضوع که خیلی اسباب تأسف است افزون بفرمائید اگر به پرسند از يك شخصی که مثلاً مشخصات دوازده

صفویه چیست؟ باید بگوید که در زمان صفویه مجاری خوب ترقی کرده است. کاشی کاری خوب ترقی کرده است. عالی باقی خوب ترقی کرده و بالاخره ایرانیها ضرب المثل در داشتن کوفی و سلیقه بوده اند ولی امروز اگر پرسند گفته میشود که فوق علمین را از دست داده اند بطوریکه باصرار کرده کور میزنند یعنی معنی لغات را با رأی میخواهند تغییر دهند (صحیح است) انفصال ابد يك معنی دارد در لغت و در اصطلاح شما این را از من نپرسید از آن دربان مجلس بپرسید ابدیت آقا یعنی چه از این آقایان تماشاچی ها بپرسید یعنی چه؟ آیا معنای ابد یعنی معنای موقت؟ عرض کنم که استدلالهایی میگردند کاملاً غیر وارد بود الا آن آقای ممقانی گفتند که بلی ممکن است يك کسی محکوم بجنس ابد بشود بعد که جنس شد و نفوسد تخفیف پیدا میکند خوب معلوم است بر حسب قوانین پادشاه و یا رئیس جمهور حق دارد يك مجازاتی را تخفیف بدهد آنوقت ابدیت تبدیل میشود بپانزده سال یا انفصال ابد میشود انفصال موقت

عمل (وزیر مشاور) - اعاده حیثیت شده

دشمنی - حالا بیائیم سر اعاده حیثیت آقای منصور السلطنه توجه فرمائید البته بنده جزو علمای حقوق نیستم و از نظر علم حقوق هم عرض نمیکنم بلکه بطور لری و زبان خودمانی عرض میکنم کینه ما ذوق سلیم را هم از دست داده ایم عرض میکنم يك کمی محکوم میشود بیک جرعی جرم چیست؟ هو حقوق این ما خیلی نوشته شده است مثلاً در قانون انتخابات ما یکی از شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده این است که محکوم به جنحه و جنایت نشده باشد ولی این محکوم به جرم اگر پنجمال از مدتش گذشت میتواند اعاده حیثیتش بخواهد و و کیل بهود ولی انفصال ابد جزو قانون اساسی و این بنده هم نمیدانم با این توضیحات و توضیحات و با این همه مؤامدی که در قانون اساسی و سایر قوانین ما هست در قانون مجازات عمومی هست در قانون مجازات اموال دولتی هست در قانون استفسار کلمه کرام اینها را بنده از وزیر یا بنده تعدیق

این است که بلند شود و بگوید آقا من در این کار اشتباه کردم و نخواهد يك حرف غلط خودش را با اصرار بکسی بنشاند و يك همچو شخصی مطابق اصول دنیا قابل احترام نیست احترام و برجستگی يك شخصی این است که اگر يك کار غلطی کرد بگوید من بر میگردد از کارم این جا هم شایسته است آقای نخست وزیر که مرد با شرافتی هستند بر خیزند و بفرمایند که ما در این کار اشتباه کردیم و بر میگرددیم ما هم تمام بشما رأی اعتماد خواهیم داد (صحیح است - احسنت).

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

دکتر معظمی - بنده مخالفم ...

رئیس - بعد از يك موافق باید بفرمائید.

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات رأی بگیرید رئیس - چون آقایان پیشنهاد کفایت مذاکرات را کرده اند باید رأی بگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. آقای نخست وزیر می توانند توضیحاتی بدهند نخست وزیر - (آقای ساعد). موضوع را بنده خیلی اهمیت میدهم مذاکراتی که اینجا داده شد بنده تماماً این ها را در نظر خواهم گرفت ولی تصدیق بفرمائید که رئیس دولت هم در بعضی از مواقع يك وظایفی دارد مسائل قضائی را آقایان قضات و علمای حقوق حل خواهند کرد موضوع این است که در مقابل بنده يك اصفهانی را نشان دادند که آتش گرفته و دارد میسوزد و هر تملک و تسامح در این قضیه

سیف پور فاطمی - هنوز هم دارد میسوزد.

نخست وزیر - ... بنده در اینجا يك وظیفه داشتم برای اینکه حالا که نان نمیدانیم امنیت و آسایش را تأمین کنیم آمدند و به بنده چند نفری را گفتند عرض کردم بنده اشخاص را و سابقه اشخاص را در گذشته نمیدانم و اینها در نظر من همه شان که نقش بسته و چند نفر را بمن معرفی میکنند مصلحت کار ذاتی متانت و لیاقت و اینکه میتواند این کار و این

مشکل را حل کنند بنده البته با اصطلاح معروف نظر مؤمنین خیر اندیش را محترم میشمارم با مواجه بودن با این وضعیت چند نفری را بمن پیشنهاد کردند که میتوانند این قضایا را حل کنند و اصلاح کنند بدون اینکه بزور و جبر مراجعه کنند و متوسل بشوند و میتوانند هر دو طرف را قانع کنند و اصلاح فیما بین بکنند دو نفر را به بنده معرفی کردند که سابقه خدمت در آنجا داشتند یکی از محترمین که بیشتر نظر بایشان داشتم مراجعه شد یعنی از طرف هیئت دولت مراجعه شد ولی بعامل مختلفه قبول نکردند و از خودشان رد کردند

سیف پور فاطمی - آقای اسکندری بودند ایشان.

نخست وزیر - قرار شد شخص دوم را که معرفی کردند برود آنهم همین اشکالات و همین نظریاتی را که اینجا فرمودید بنده هم در نظر داشتم یعنی همان موضوع سابقه محکومیت اصل محکومیت و موضوع محکومیت در نظر من نبود فقط بنده شنیده بودم که يك محکومیتی ایشان دارند این است که بنده خودم ایراد گرفتم که این شخص يك محکومیت دارد و همین طور که اینجا مذاکره شد پرسش شد گفتند که هیچ مانعی ندارد و همین شخص را اصلاح میدانند. من که با کسی نظر شخصی ندارم (صحیح است) از نظر حفظ اصول قانونی پرسش شد و جواب دادند که مانعی ندارد و از طرف خود اهالی اصفهان هم تلگرافاتی رسیده بود که این شخص را برای ما بفرستید که میتواند بزرگ منشی و کدخدای منشی و شیخوخیت خودش سر و صورتی بکارها بدهد و اصلاح کند و در آنجا همه این شخص را میشناسند و او میتواند این قضایا را حل کند سئوالش هم اینجا خوانده شد جوابهم خوانده شد بنده هم هیچ نظری نداشتم فقط و فقط نظر و قصدم این بود که این سر و صداها و این قضایائی که پیش آمده بود بخوابد و این آدم از روزی که رفت آنجا

ایرج اسکندری - قضایائی نبود.

نخست وزیر - ... قضایا خواهید حالا چکار کرد و چیه حقه زد بنده نمیدانم (خنده نمایندگان) و هیچ شکایتی هم شنیده نشده حالا ممکن است که این موقعی باشد راه بنده از

قراری که شنیده‌ام میگویند آنجا هم صاحبان کارخانه‌جات را راضی کرده و هم عملیات آنها راضی کرده و یک قراری گذاشته است و میخواهد آنجا را اصلاح کند و از اعمال جبر و قوت و زور و نظامی و اینها جلو گیری کرده است میگفتند اصفهانی بود که ... بنده نظرم بود که میگفتند اصفهانی بود که آتش گرفته است و حالا هم اصفهانی هست ظاهراً ساکت و صامت و از روزی هم که او وارد شده است کسی از او شکایتی نکرده البته اگر آقای افشار رفته بود و این قضایا بدتر میشد و افزوده میشد البته به محکومیت او ما میافزودیم اما اگر يك نفری رفته است آنجا يك قضایائی را انجام کرده و کارهایی کرده است آن قضایای دیگری را حالا داریم می بینیم این موضوعاتی است که مورد بحث قضات و مورد بحث حقوق دانهاست ولی در این قبیل مواقع تصدیق بفرمائید که مملکت يك امنیت و آسایش میخواهد (صحیح است) حالا این آسایش و آرامش بقول آقای فریور بدست يك مجرمی انجام گرفته است که ساکت و صامت کرده است حالا ما این قضایا را داریم می بینیم اصفهانی که ممکن بود آن قضایائی که در آنجا پیش آمده بود تمام نقاط در دست هم سرایت بکنند خاموش شده است این بود قضایا و ما نظری نداشتیم و من هم سابقه متمدنی با آقای رضای افشار ندارم (صحیح است) آمیزشی هم با کسی ندارم (صحیح است) و بسایت خوب آدم این کار را کردم امیدوارم آقایانی هم که قضاوت میکنند این بیانات مرا با حسن نیت تلقی کنند و هر طوریکه میخواهند رای بدهند. (صحیح است)

رئیس - یکی از آقایان پیشنهاد رای سکوت کرده اند

یک نفر از آقایان هم (آقای تربتی) میخواهند در خصوص رای توضیحاتی بدهند يك نظری دارند راجع برآی. آقای عماد تربتی بفرمائید

عماد تربتی - بنده با رای سکوت مخالفم درخواست

هم داده ام

طباطبائی - نمیشود مخالفت کرد

رئیس - حالا اظهارشان را بفرمائید.

(همه نمایندگان - خارج از موضوع است).
رئیس - شما که مطلب تا برآ نفرمودید اگر بفرمائید آقایان ساکت میشوند.

عماد تربتی - موضوع عرض بنده فرع بر این است که اول این مقدمات را عرض کنم در باب رای بالاخره نظر بنده این بود که تصمیمی که گرفته شد بعد از آنکه بمواد قانون و آئین نامه ...

همه نمایندگان - زنک رئیس.

دکتر معظمی - بنده اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - ایشان راجع برآی اظهار نظر دارند ...

عماد تربتی - بنده هم عرضم راجع بنظامنامه و طرز رای است. آقایان هنوز مستحضر نشده اند که نظر بنده چیست دارند مرا هم میکنند. مجلس محل استدلال است مجلس هو که نیست بنده خواستم دلائل رای مثبت را عرض کنم... (خنده نمایندگان) آخر توجه نمیکنید آقایان بنده منی خواهم دلائل خودم را راجع برآی مثبت عرض کنم و عرض کنم که دلائل من بر رای مثبت چیست. ما بکلی بسی نظر هستیم و اساساً با بی نظری میشود مجلس رای مثبت بدهد... (همه نمایندگان - آقا خارج از موضوع است).

رئیس - صرف نظر کنید آقا...

عماد تربتی - بنده توضیح نداده ام بطور صرف نظر کنم. رئیس - بنده توضیح میدهم. پیشنهاد رای سکوت شده است (صحیح است) و بر طبق نظامنامه مقدم است (صحیح است) (آقای عماد تربتی از کرسی خطابه بمحل خود برگشتند).

رئیس - آقای رفیع بفرمائید در پیشنهادتان راجع برآی سکوت توضیح بدهید.

رفیع - نظامنامه داخلی مجلس اساساً برای این قبیل مواقع که دو طرف را ایشان نمی داند که رای مثبت بدهد یا رای منفی. رای سکوت را در نظر گرفته است. چرا؟ برای اینکه مسئله را وقتی آقایان عنوان کردند مخصوصاً آقای مهندس فریور آن قوانین را بیان کردند ما تکلیفمان

را نمی دانیم شخص آقای ساعد بقدری مرد خوبی است که در این مجلس هیچکس منکر ندارد وقتی خواستند ریاست وزرائی بایشان بدهند همه رای دادند و موافق بودند ولی قانون از آقای ساعد و تمام دوستان ایشان محترمتر است در این جا اگر چنانچه رای دادن آن موضوع را تلبیت نخواهد کرد که ما همه مان رای خواهیم داد اگر تلبیت خواهد کرد ما رای نخواهیم داد پس طبق نظامنامه ساکت بمانیم و رای سکوت بدهیم بهتر است فعلاً ساکت می مانیم تا اینکه دولت يك لایحه بیاورد و بدهد بمجلس در آنجا عقائد ما نسبت بدولت معلوم میشود و معلوم خواهد شد آیا دولت اکثریت دارد یا ندارد ...

مهندس فریور - اجازه فرمائید؟

رئیس - مجلس دیگر با اجازه صحبت گمان نمیکنم موافق باشد رای سکوت هم مقدم است (صحیح است) حالا چون آقای مهندس فریور مخالفند اگر اجازه میدهید صحبت کنند... (همه نمایندگان - خیر آقا نمی شود مذاکرات کافی شد باید رای گرفت)

رئیس - ماده پنجاهم نظامنامه داخلی خوانده میشود - ماده ۵۰ - رای ساکت در صورتی که از طرف یکی از اعضا خواسته شود حتی تقدم دارد باین معنی که اول در مورد رای ساکت اخذ رای میشود اگر قبول نشد در رای مثبت یا منفی رای گرفته میشود.

رئیس - حالا شروع میکنیم باخذ رای.

کافظمی - بنده اخطار نظامنامه دارم. اگر موافقی با رای سکوت حرف زد باید مخالف هم حرف بزند با آقای رفیع اجازه دادید باید بمخالف هم اجازه بدهید حرف بزند.

دشتی - موافق و مخالف ندارد رای سکوت طبق نظامنامه مقدم است باید رای بگیری.

رئیس - رای سکوت مقدم است بعلاوه بنده خواهم بآقای مهندس فریور که مخالفند اجازه بدهم حرف بزنند مجلس موافقت نکرد (صحیح است) رای میگیریم آقایانی که موافقت رای سکوت گرفته شود قیام کنند (دو نفر

بر خاستند) رد شد. پیشنهادی از آقای نراقی رسیده است قرائت میشود:

این بنده پیشنهاد میکنم طبق ماده ۵۱ نظامنامه داخلی مجلس بحال که رأی ساکت رد شد موضوعی که مورد استیضاح قرار گرفته است برای اظهار نظر بشعبات رجوع شود تا پس از آنکه گزارش کمیسیون منتخبه از شعبت بمجلس رسید مجلس رأی خود را در آن موضوع بدهد.

نراقی - عرض کنم طبق ماده ۵۱ آئین نامه داخلی مجلس که تصریح کرده است هر گاه پیشنهاد رأی سکوت رد شد مقدم بر رأی مثبت و منفی این موضوع است که بکمیسیون منتخب از شعب رجوع شود و این را باید رأی گرفت عین ماده را می خوانم که می گوید مجلس میتواند بتقاضای یکی از نمایندگان مسئله را رجوع بشعبات نماید که پس از وصول راپرت کمیسیون منتخب از شعبات مجلس رأی خود را بدهد بنده هم همین را پیشنهاد کردم که موضوع بکمیسیون منتخب از شعب مراجعه شود و آنجا مطالعه شود گزارش بمجلس بدهند تا مجلس بتواند روی آن رأی بدهد ضمناً هم آقایان را توجه میدهم اصرار آقایان باینکه رأی مثبت از مجلس گرفته شود در یک عملی که خلاف قانون بودش مسلم است این بضرر کشور است... همه نمایندگان بطور نیست.

یکی از نمایندگان - ماده ۵۱ قرائت بشود.

(بشرح زیر خوانده شد.)

ماده ۵۱ - هر گاه رأی ساکت رد شود مجلس می تواند مستقیماً در باب رأی مثبت و منفی رأی داده یا اینکه بتقاضای یکی از نمایندگان مسئله را رجوع بشعبات نماید که پس از راپرت کمیسیون منتخب از شعبات مجلس رأی خود را بدهد در صورت رجوع بشعبات مانند موارد فوری پس از اصفی راپرت کمیسیون رأی داده خواهد شد چنانچه عقیده کمیسیون در مجلس قبول بشود خود مجلس در باب رأی مثبت و منفی رأی خواهد داد.

رئیس - بحال رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نراقی

آقایانی که باین پیشنهاد و رجوع موضوع به کمیسیون منتخب از شعب موافقت قیام فرمایند. (عده قلیلی برخاستند) رد شد: حالا رأی ...

(در این موقع عده از آقایان نمایندگان از مجلس بخارج شدند وعده برای اخذ رأی کافی نبود.)

رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - بعقیده بنده باید این موضوع حل بشود اگر این قضیه برود روی احساسات خوب نیست مافوق هر استبدلال قانون است آقا (صحیح است) مجلس امروز يك قیافه نشان داد که چندان شایسته نبود چون این موضوع این قدر ارزش ندارد که دولت متزلزل بشود و مجلس متشنج بشود وعده از مجلس خارج بشوند و مجلس را از اکثریت بیندازند من هیچ از احساسات عصبانی نمیشوم بگذارید قضیه حل بشود يك فرد قابل این نیست که یکماه وقت مجلس را اشغال بکند و این طور بشود يك عده بیفتمند روی احساسات و يك عده بیفتمند طرف دیگر کار مملکت اصلاح نمی شود این بود عرض بنده

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - بنده هیچ انتظار نداشتم که گفته شود دولت متزلزل است دولت متزلزل نیست و این قضیه هم يك قضیه بسیار عادی است در مجلس شورای ملی و کلاء و نمایندگان مجلس خیلی اسباب خوشوقتی است که توجه بمسائل مملکتی دارند سؤال میکنند استیضاح میکنند آقایانیکه نظر مخالف دارند مخالفت شان را با کمال آزادی اظهار کردند آقایانی هم که نظر موافق داشتند نظر موافق خودشان را با کمال آزادی اظهار کردند البته مجلس است سؤال میکنند استیضاح میکنند ممکن است در هر هفته چندین استیضاح واقع بشود و نظریات مختلف گفته بشود و مجلس شورای ملی هم به بیانات طرفین گوش میدهد و قضاوت میکند اما مجلس را از اکثریت انداختن و خارج شدن بسیار حرکت زشت و بیجائی است. هر کس مخالف است رأی مخالفش را ~~میگوید~~ موافقین هم رأی موافق میدهند هیچگونه تزلزلی پیدانمیشود و باید بدولت رأی اعتماد داد

رئیس - آقا دکتر عبده

دکتر عبده - بنده که موافقتی با دولت نداشته و ندارم و حالاً هم مخالف دولت هستم اینکه بنده صحبت میکنم برای این است که رفع اشتباهی کرده اشم بعضی از آقایان بنظرشان رسیده است که دادن رأی مثبت تصدیق عمل دولت است و حال آنکه در ماده ۴۷ آئین نامه داخلی مجلس این مطلب باین ترتیب ذکر شده است و استدعا میکنم توجه بفرمایند. مینویسد: رأی مثبت مجلس تصدیق اظهارات آقایان وزیران است نه تصدیق عمل دولت. بنده شخصاً رأی نخواهم داد و ممتنع میباشم ولی اشخاصیکه میخواهند رأی مثبت بدهند اگر این اشکال را دارند که خیال میکنند دادن رأی مثبت موجب تصدیق تلویحی عمل دولت است اشتباه مینمایند زیرا ممکن است عمل دولت واقعاً قابل تخطئه باشد ولی اظهارات آقای نخست وزیر قابل ترتیب اثر باشد و این رأی مثبت مجلس اظهارات آقای نخست وزیر را تصدیق میکند نه عمل دولت را بنابراین از این جهت اشکالی نیست

رئیس - آقای کاظمی

کاظمی - عرض کنم فقط بنده میخواستم اظهار تأسف بکنم از آقایان استیضاح کنندگان که اصرار دارند و میخواهند بفشار تحمیل کنند فکرشانرا برا اکثریت و متزلزل کنند و این منتهای تأسف است زیرا همانطور که اینجا آقای مهندس فریور در اول جلسه در ضمن بیاناتشان گفتند که ما

بایستی بمبانی و اصول احترام کنیم، در حکومت ملی و مشروطه بالاترین مبنی و اصل حق حاکمیت اکثریت مجلس شورای ملی است بنابراین اگر کسی اظهار داشت و اظهار خودش را کرد مجلس آنوقت بهر طریق که صلاح میداند استدلال میکند و قضاوت میکند و رأی خودش را می دهد اما بوسیله او بسترو کسیون مجلس را از اکثریت انداختن يك کار خوبی نیست و نمیدانم بچه عبارتی ذکر کنم ولی بنظر بنده کار عجز است اینرا کار عجزه اسمش را میگذارند علیهذا خواستم عرض کنم که آقای هاشمی بچه علت فرمودند که دولت اکثریت ندارد. دولت اکثریت دارد (صحیح است)

هاشمی - بنده عرض نکردم دولت اکثریت ندارد، گفتم در مجلس اکثریت نیست و مجلس را از اکثریت انداختند

[۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - چون عده کافی نیست ساعت هم گذشته است اگر آقایان مایل هستند جلسه را ختم کنیم

جمعی از نمایندگان - صحیح است

مسعودی - جلسه آتیه عصر امروز باشد

عده از نمایندگان - فردا

رئیس - اگر موافقت بفرمائید جلسه آتیه روز شنبه باشد (صحیح است) دستور هم بقیه دستور امروز (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد صادق طباطبائی